آرمان ملّی
armanmeli.ir
سال هشتم
شماره ۲۳۳۱
سه شنبه
۱۴۰۴•۱۲•۰۵
۰۶ رمضان ۱۴۴۷ / ۲۴ فوریه ۲۰۲۶

«آرمان ملی» در گفت‌وگو با مرتضی افقه بررسی می‌کند

نمایش اقتصادی با حذف چهار صفر

حذف صفر به‌تنهایی نه می‌تواند تورم را مهار کند، نه قدرت خرید را افزایش دهد و نه رفاه خانوارها را بهبود بخشد. آنچه تغییر می‌کند، شکل نوشتن قیمت‌ها ارقام روی اسکناس‌ها و واحدهای محاسباتی در دفاتر حسابداری است

آرمان ملی – صدیقه بهزادپور: هیات عالی بانک مرکزی روز گذشته، پیش‌نویس آیین‌نامه اجرایی مربوط به اصلاح بند (الف) قانون بانک مرکزی را تصویب کرد. بر اساس این قانون، در دوره گذار، هر دو واحد پولی جدید و قدیم به‌طور همزمان در جریان خواهد بود. این آیین‌نامه شامل تعاریف و الزامات لازم برای آماده‌سازی اجرای این تغییرات، از جمله بازطراحی و آزمایش سامانه‌ها و نرم‌افزارهای مرتبط، برگزاری دوره‌های آموزشی و برچسب‌گذاری دوگانه قیمت‌ها می‌باشد. مطابق با مفاد این آیین‌نامه، زمان آغاز دوره گذار حداقل چهار ماه قبل از شروع به‌طور عمومی اعلام خواهد شد. در این دوره، هر دو واحد پولی در گردش خواهند بود و دستورالعمل‌ها و شیوه‌نامه‌های لازم برای به‌روزرسانی خدمات بانکی و تطبیق ارقام واحدهای پولی دوگانه پس از تصویب نهایی در هیات وزیران تدوین خواهد شد. در این راستا، کارشناسان اقتصادی بر این باورند که حذف چهار صفر از پول ملی در شرایط کنونی که تورم به حدود پنجاه درصد رسیده و قیمت‌ها به‌طور فزاینده‌ای در حال افزایش هستند، تأثیر چندانی بر وضعیت اقتصادی کشور نخواهد داشت. آنها معتقدند که اگر تغییرات اساسی در سیاست‌های اقتصادی و زیرساخت‌ها صورت نگیرد، ممکن است در سال‌های آینده مجبور به حذف صفرهای بیشتری از پول ملی باشیم. به گفته این افراد، در حال حاضر، اولویت‌های اقتصادی دیگری وجود دارد که باید به آنها توجه شود. به جای تمرکز بر حذف صفرها، دولت باید به اصلاح زیرساخت‌های اقتصادی و بهبود شرایط معیشتی مردم بپردازد. این اصلاحات می‌تواند شامل ایجاد اشتغال، بهبود خدمات عمومی و افزایش تولید داخلی باشد. این افراد باور دارند که تصویب این طرح فقط می‌تواند برخی از امور حسابداری را تسهیل کند، ولی زمان بسیاری از دولت را می‌گیرد که آن تاثیری را که باید داشته باشد، نخواهد داشت. در این باره با مرتضی افقه، تحلیلگر اقتصادی گفت‌وگو کرده‌ایم که در ذیل مشاهده می‌کنید.

اجرای طرح حذف چهارصفر که از مدت‌ها پیش مدنظر دولت‌های مختلف بود، مقرر گشت تا در مرحله نخست به صورت پایلوت با استفاده از هر دو گونه پول (با و بدون چهار صفر)، به مرحله اجرا درآید. به نظر شما اجرای این طرح در شرایط کنونی چقدر می‌تواند به شرایط اقتصادی، مالی، بانکی کشور کمک کند؟

طرح حذف صفر از پول ملی، سال‌هاست که به‌صورت دوره‌ای در فضای سیاست‌گذاری اقتصادی کشور مطرح می‌شود و هر بار، با شدت گرفتن تورم یا افزایش فشارهای معیشتی، دوباره به‌عنوان یکی از گزینه‌های اصلاح پولی به صدر تصمیمات دولت بازمی‌گردد. در حقیقت این تکرار، خود نشانه‌ای از یک مسئله عمیق‌تر است و آن اینکه، تمایل به استفاده از ابزارهای ظاهری و حسابداری برای پاسخ دادن به مشکلاتی که ریشه در ساختارهای واقعی و مزمن اقتصاد دارند، اما آنچه که مشهود است اینکه، حذف صفر، در ساده‌ترین تعریف، تغییری در مقیاس اسمی اعداد پولی است، نه تغییری در واقعیت اقتصادی؛ و همین ویژگی، نقطه آغاز بسیاری از نقدهایی است که نسبت به این سیاست مطرح می‌شود.

به نظر شما آیا حذف چهارصفر می‌تواند به کاهش تورم کمک کند؟

از نظر اقتصادی، حذف صفر به‌تنهایی نه می‌تواند تورم را مهار کند، نه قدرت خرید را افزایش دهد و نه رفاه خانوارها را بهبود بخشد، بلکه آنچه در این میان تغییر می‌کند، شکل نوشتن قیمت‌ها، ارقام روی اسکناس‌ها و واحدهای محاسباتی در دفاتر حسابداری است. در حقیقت اگر پیش از اجرای این سیاست، یک کالا با عددی بزرگ معامله می‌شد، پس از حذف صفر، همان کالا با عددی کوچک‌تر، اما با همان ارزش واقعی مبادله می‌شود. در این راستا باید گفت که حذف صفر را باید سیاستی ذاتاً خنثی دانست و در این راستا، سیاستی که اگر هیچ عامل دیگری تغییر نکند، نه اثر مثبت پایدار دارد و نه اثر منفی بنیادین. اما خنثی بودن به معنای بی‌هزینه بودن نیست. در حقیقت، اجرای چنین طرحی مستلزم صرف هزینه‌های قابل توجهی است که اغلب در بحث‌های عمومی کمتر به آن پرداخته می‌شود. چاپ اسکناس‌ها و سکه‌های جدید، جمع‌آوری تدریجی اسکناس‌های قدیمی، به‌روزرسانی سامانه‌های بانکی، نرم‌افزارهای حسابداری، دستگاه‌های پرداخت، قراردادهای مالی، اسناد حقوقی و حتی برچسب قیمت‌ها، همگی نیازمند زمان، منابع مالی و نیروی انسانی هستند و در نهایت این هزینه‌ها در کوتاه‌مدت به اقتصاد تحمیل می‌شوند و در شرایطی که منابع مالی دولت محدود است، نمی‌توان آنها را نادیده گرفت.

با توجه به توجیهات و استدلالات موجود چرا همچنان بر اجرای طرح حذف چهارصفر در کشور اصرار ورزیده می‌شود؟

یکی از مهم‌ترین استدلال‌های موافقان حذف صفر، صرفه‌جویی در هزینه‌های چاپ اسکناس در آینده است. با کوچک‌تر شدن ارقام، نیاز به اسکناس‌های درشت و پرحجم کاهش می‌یابد و در بلندمدت، بخشی از هزینه‌های چاپ، نگهداری و توزیع پول کمتر می‌شود. این توجیه از نظر فنی درست است و نمی‌توان آن را انکار کرد، اما مسأله در مقیاس این صرفه‌جویی است. در حقیقت این صرفه‌جویی محدود، تدریجی و وابسته به ثبات پولی است، در حالی که هزینه‌های اجرایی طرح، فوری، گسترده و اجتناب‌ناپذیر هستند. به عبارتی می‌توان گفت که، تراز هزینه، فایده این سیاست، دست‌کم در شرایط تورمی فعلی، چندان به نفع منافع عمومی سنگینی نمی‌کند. در این میان از جمله پیامدهای مهم حذف صفر باید به سردرگمی عمومی در جامعه اشاره کرد، پدیده‌ای که تقریباً در تمام کشورهایی که چنین تجربه‌ای داشته‌اند، در مقاطع اولیه مشاهده شده است، چراکه تغییر واحد پول، نیازمند بازآموزی ذهنی مردم برای درک قیمت‌ها، مقایسه ارزش‌ها و تصمیم‌گیری‌های روزمره است. در دوره گذار، بسیاری از افراد در تشخیص ارزش واقعی کالاها دچار تردید می‌شوند و این مسأله می‌تواند به سوءبرداشت، اختلاف قیمت‌گذاری و حتی برخی سوءاستفاده‌ها منجر شود. این سردرگمی تنها به مصرف‌کنندگان محدود نیست و فعالان اقتصادی، فروشندگان، حسابداران و حتی کارکنان دستگاه‌های دولتی نیز برای مدتی با چالش تطبیق مواجه خواهند بود.

یکی از دلایلی که برخی از کارشناسان در راستای اجرای این طرح به آن اشاره می‌کنند، تاثیر روانی در اذهان مردم و فرار از ارقام بزرگ و تشدید تنش‌های فکری و... است. ارزیابی شما در این باره چیست؟

بله در حقیقت فراتر از این چالش‌های اجرایی، حذف صفر دارای یک بعد روانی مهم است که نقش آن در شکل‌دهی انتظارات اقتصادی جامعه قابل چشم‌پوشی نیست. به عبارتی، کوچک‌تر شدن ارقام، به‌طور طبیعی این احساس را ایجاد می‌کند که قیمت‌ها کاهش یافته‌اند و هزینه‌ها کمتر شده است. وقتی عددی که پیش‌تر چندصدهزار تومان بوده، به چندصد واحد جدید تبدیل می‌شود، ذهن انسان ناخودآگاه آن را ارزان‌تر تلقی می‌کند، حتی اگر واقعیت اقتصادی هیچ تغییری نکرده باشد. این اثر روانی می‌تواند در کوتاه‌مدت نوعی آرامش یا رضایت ظاهری ایجاد کند، اما این آرامش بر پایه یک تصور نادرست بنا شده است، اما در نهایت، این تصور نادرست، زمانی خطرناک‌تر می‌شود که با تداوم تورم همراه باشد و در ادامه در چنین وضعیتی، مردم ابتدا با اعداد کوچک‌تر احساس می‌کنند فشار کمتری را تحمل می‌کنند، اما با گذشت زمان و افزایش مجدد قیمت‌ها، متوجه می‌شوند که قدرت خریدشان نه‌تنها بهتر نشده، بلکه کاهش نیز یافته است. نتیجه این فرایند، شکل‌گیری نوعی بی‌اعتمادی است، بی‌اعتمادی نسبت به سیاست‌های اقتصادی و نسبت به پیام‌هایی که از سوی سیاست‌گذار ارسال می‌شود. به این ترتیب، اثر روانی مثبت اولیه، می‌تواند در میان‌مدت به اثر روانی منفی و مخرب تبدیل شود.

از نظر شما پیش شرط اجرای طرح حذف چهار صفر در کشور چیست و به عبارتی موفقیت این طرح مرهون چه اقداماتی است؟

نکته کلیدی در راستای اجرای این طرح این است که حذف صفرها بدون مهار پایدار تورم، عملاً بی‌معناست. تورم، عامل اصلی بزرگ شدن اعداد پولی است و اگر این عامل مهار نشود، صفرهای حذف‌شده در فاصله‌ای نه‌چندان طولانی دوباره به اقتصاد بازمی‌گردند. تجربه تاریخی اقتصاد ایران نیز این واقعیت را تأیید می‌کند. هر بار که تورم مزمن و بالا ادامه یافته، ارزش پول ملی کاهش پیدا کرده و اعداد اسمی بزرگ‌تر شده‌اند. حذف صفر، بدون تغییر این روند، تنها صورت مسأله را پاک می‌کند، نه خود مسأله را و قطعاً این مشکلات همچنان به قوت خود باقی خواهند ماند و حتی امکان دارد که بعد از مدتی باز هم دولت مجبور شود به دلیل عدم اصلاح زیرساخت‌ها مجبور به حذف مکرر صفرها از واحد پول ملی شود. نباید این امر را فراموش کنیم که، ریشه‌های تورم در اقتصاد ایران، عمدتاً ساختاری و درون‌زا هستند. مسائلی چون؛ کسری بودجه‌های مزمن، وابستگی مالی دولت به منابع ناپایدار، ناترازی بانک‌ها، خلق نقدینگی بی‌ضابطه، ضعف انضباط مالی و نبود یک چارچوب باثبات برای سیاست‌گذاری اقتصادی، از جمله عواملی هستند که به‌طور مستمر فشار تورمی ایجاد می‌کنند. در کنار این عوامل داخلی، فشارهای خارجی و تحریم‌ها نیز نقش تشدیدکننده داشته‌اند، اما نمی‌توان آنها را عامل اصلی دانست. حتی در مقاطعی که فشار خارجی کاهش یافته، به دلیل حل نشدن مشکلات داخلی، تورم همچنان بالا باقی مانده است.

استناد برخی از کارشناسان و مسئولان به اجرای موفق این طرح در برخی از کشورها، آیا نمی‌تواند مستمسک خوبی برای الگوبرداری ایران نیز تلقی شود؟

در این باره باید گفت، مقایسه تجربه ایران با کشورهایی که حذف صفر را با موفقیت اجرا کرده‌اند، نیازمند دقت بالاست، یعنی در بسیاری از این کشورها، حذف صفر پس از یک دوره طولانی مهار تورم و تثبیت اقتصاد کلان انجام شده است و پیش از همه کارها باید ابتدا متغیرهای واقعی اقتصاد اصلاح شده‌اند، اعتماد عمومی به سیاست‌های پولی بازسازی شده و سپس، برای ساده‌سازی محاسبات و کارآمدتر کردن نظام پولی، صفرها حذف شده‌اند. در این کشورها، حذف صفر نه ابزار اصلی سیاست‌گذاری، بلکه آخرین حلقه یک زنجیره اصلاحی بوده است. هیچ‌گاه نباید به این مسأله بی‌اعتنا باشیم که زمانی که حذف صفر به‌عنوان جایگزین اصلاحات واقعی مطرح می‌شود، خطر تبدیل شدن آن به یک سیاست نمایشی وجود دارد. سیاستی که بیشتر برای ارسال پیام اقدام به افکار عمومی به کار می‌رود تا حل ریشه‌ای مشکلاتی که در کشور وجود دارد و قطعاً تکرار این رویکرد، یعنی هر بار در مواجهه با تورم، به‌جای اصلاح ساختارها، به سراغ تغییرات شکلی رفتن، باعث می‌شود چرخه‌ای از سیاست‌های کوتاه‌مدت و کم‌اثر شکل بگیرد که در نهایت، هزینه آن را جامعه می‌پردازد.

بر اساس آنچه که شما به آن اشاره کردید، حذف صفرها بدون انجام پیش نیازها هیچ فایده‌ای نخواهد داشت؟

بله درباره اجرای این طرح یعنی حذف چهار صفر باید گفت که، در بهترین حالت، یک اصلاح اداری و حسابداری است با منافع محدود و بلندمدت، و در بدترین حالت، می‌تواند به تشدید سردرگمی و بی‌اعتمادی منجر شود. این سیاست نه تورم را کاهش می‌دهد، نه معیشت مردم را بهبود می‌بخشد و نه می‌تواند جایگزین اصلاحات سخت و پرهزینه اما ضروری در اقتصاد شود. تمرکز سیاست‌گذار، اگر معطوف به بهبود واقعی شرایط زندگی مردم است، باید بر کنترل پایدار تورم، اصلاح نظام بودجه‌ای، سامان‌دهی نظام بانکی و ایجاد ثبات در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی باشد. از این رو، حذف صفر، اگر روزی قرار است اجرا شود، باید نتیجه طبیعی این اصلاحات باشد، نه نقطه شروع آن‌ها. در غیر این صورت، این سیاست نیز به فهرست اقداماتی اضافه خواهد شد که ظاهر تغییر را به نمایش می‌گذارند، اما در عمق، تغییری در واقعیت اقتصادی ایجاد نمی‌کنند و تنها به تکرار چرخه‌ای می‌انجامند که بارها تجربه شده است. در ترکیه، حذف شش صفر از پول ملی در سال ۲۰۰۵ پس از یک دهه کنترل تورم و اجرای برنامه‌های موفق تثبیت اقتصادی انجام شد. در برزیل، طی دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی، حذف صفر از پول ملی چندین بار صورت گرفت، اما تنها زمانی نتیجه‌بخش بود که دولت دست به اصلاحات ساختاری اقتصادی زد و تورم را مهار کرد. در این کشورها، حذف صفر پایان یک فرایند اصلاحی بود، نه آغاز آن، اما در ایران، وضعیت متفاوت است.

هشدار درباره تبعات گرانی نهاده‌ها بر قیمت مرغ!

مدیرعامل اتحادیه مرغداران گوشتی با هشدار نسبت به افزایش مستمر و بعضا روزانه قیمت نهاده‌های دامی در سامانه بازارگاه اعلام کرد: تداوم این روند، هزینه تمام‌شده تولید را به شکل مستقیم بالا می‌برد و در نهایت به رشد قیمت مرغ در بازار مصرف منجر می‌شود؛ موضوعی که هم تولیدکننده را با بی‌ثباتی و ریسک مضاعف مواجه می‌کند و هم مصرف‌کننده را در برابر موج جدید گرانی‌ها قرار می‌دهد. حذف ارز ترجیحی که با هدف واقعی‌سازی قیمت‌ها، کاهش فساد و هدفمند کردن یارانه‌ها در دستور کار دولت قرار گرفت، تاثیر مستقیمی بر هزینه واردات و تامین کالاهای اساسی گذاشت و به تبع آن، قیمت مصرف‌کننده در بسیاری از اقلام افزایش یافت. به طور مثال در بازار برنج، فعالان این حوزه می‌گویند با حذف ارز ترجیحی و افزایش هزینه‌های واردات، شاهد رشد محسوس قیمت‌ها بوده‌ایم؛ به‌گونه‌ای که در مقاطعی، نرخ‌های جدید به‌صورت روزانه اعلام شده است. این نوسانات، علاوه بر تأثیرپذیری از نرخ ارز، تحت تأثیر هزینه‌های حمل‌ونقل، انبارداری و انتظارات تورمی نیز قرار دارد. در بخش نهاده‌های دامی نیز شرایط مشابهی حاکم است. با حذف ارز ترجیحی واردات نهاده‌ها، تأمین خوراک دام و طیور با نرخ ارز نیمایی یا آزاد انجام می‌شود که این موضوع مستقیماً بر قیمت عرضه در سامانه «بازارگاه» اثر گذاشته است. گزارش‌های میدانی حاکی از آن است که قیمت برخی نهاده‌ها در این سامانه با تغییرات مکرر همراه بوده و تولیدکنندگان ناچارند نهاده‌های مورد نیاز خود را با نرخ‌های متغیر و بعضاً افزایشی تأمین کنند. کارشناسان اقتصادی معتقدند هرچند حذف ارز ترجیحی در بلندمدت می‌تواند به شفافیت بیشتر و کاهش رانت منجر شود، اما در کوتاه‌مدت، به دلیل انتقال شوک قیمتی به زنجیره تولید، موجب افزایش هزینه تمام‌شده کالاها شده است. این افزایش هزینه در نهایت در قیمت نهایی محصولات پروتئینی، لبنی و سایر کالاهای وابسته منعکس می‌شود. تولیدکنندگان بخش کشاورزی و دامپروری نیز بر این باورند که نوسانات مداوم قیمت نهاده‌ها، امکان برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت را دشوار کرده و ریسک فعالیت اقتصادی را افزایش داده است. از سوی دیگر، مصرف‌کنندگان نیز با تغییرات پی‌درپی قیمت‌ها، با بی‌ثباتی در بازار و کاهش قدرت خرید مواجه شده‌اند. حبیب‌ا... اسدا... نژاد - مدیرعامل اتحادیه سراسری مرغداران گوشتی - در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به نوسانات اخیر قیمت نهاده‌های دامی در سامانه بازارگاه اظهار کرد: نهاده‌هایی که امروز در بازارگاه عرضه می‌شوند، عمدتا مربوط به خریدهای ماه‌های گذشته هستند؛ با این حال، شاهد تغییر و افزایش روزانه قیمت‌ها هستیم؛ روندی که بیش از آنکه مبتنی بر واقعیت‌های اقتصادی باشد، به رفتارهای سوداگرانه شباهت دارد. وی افزود: در شرایطی که عرضه‌کنندگان نهاده‌ها کالا را با نرخ‌های دو ماه قبل خریداری کرده‌اند، افزایش مستمر و بعضا روزانه قیمت‌ها در بازارگاه، این سامانه را از کارکرد اصلی خود که تنظیم‌گری و ایجاد ثبات در بازار است، دور کرده و به بستری برای ترویج سوداگری در حوزه نهاده‌های دامی تبدیل کرده است. اسدا... نژاد ادامه داد: این وضعیت، قدرت برنامه‌ریزی را از مرغداران سلب می‌کند. تولیدکننده‌ای که هر روز با نرخ جدیدی برای تامین خوراک مواجه می‌شود، امکان برآورد دقیق هزینه‌های تولید و تنظیم برنامه جوجه‌ریزی را نخواهد داشت. نتیجه چنین شرایطی، افزایش ریسک تولید و در نهایت کاهش انگیزه فعالان این بخش است. مدیرعامل اتحادیه سراسری مرغداران گوشتی تصریح کرد: افزایش بی‌ضابطه قیمت نهاده‌ها مستقیما بر قیمت تمام‌شده مرغ اثر می‌گذارد و این موضوع در نهایت به افزایش قیمت مصرف‌کننده منجر می‌شود. در چنین فضایی، نه تولیدکننده از ثبات و امنیت اقتصادی برخوردار است و نه مصرف‌کننده از آینده قیمت‌ها اطمینان دارد. وی با تاکید بر ضرورت ورود جدی دستگاه‌های مسئول گفت: انتظار می‌رود نهادهای متولی، نظارت مؤثر و دقیق‌تری بر روند قیمت‌گذاری و عرضه نهاده‌ها در سامانه بازارگاه اعمال کنند و اجازه ندهند این بستر، کارکرد اصلی خود را از دست بدهد. شفافیت در فرآیند خرید، قیمت‌گذاری و عرضه نهاده‌ها، شرط اصلی بازگشت آرامش به بازار و تضمین استمرار تولید است. اسدا... نژاد در پایان خاطرنشان کرد: اگر روند فعلی اصلاح نشود، تبعات آن نه‌تنها تولیدکنندگان بلکه کل زنجیره تامین و بازار مصرف را تحت تاثیر قرار خواهد داد و لازم است دستگاه‌های مسئول در این زمینه پاسخگو باشند.

کوتاه

افت ۵۰ درصدی فروش زولبیا و بامیه

یک مقام صنفی گفت: بر اساس آمار و بررسی‌هایی که در دو سه روز گذشته انجام داده‌ایم، نزدیک به ۵۰ درصد کاهش در میزان تولید و فروش نسبت به مدت مشابه سال گذشته مشاهده می‌شود. علی بهره‌مند، رئیس اتحادیه صنف دارندگان قنادی، شیرینی‌فروشی و کافه‌قنادی تهران در گفتگو با مهر درباره وضعیت بازار زولبیا و بامیه در ماه مبارک رمضان گفت: با توجه به جراحی اقتصادی که از سوی دولت انجام شد و به دنبال آن افزایش قابل توجه قیمت مواد اولیه صنف قنادی را شاهد بودیم، متأسفانه امسال با کاهش چشمگیر در میزان تولید و فروش مواجه بوده‌ایم. وی افزود: بر اساس آمار و بررسی‌هایی که در دو سه روز گذشته انجام داده‌ایم، نزدیک به ۵۰ درصد کاهش در میزان تولید و فروش نسبت به مدت مشابه سال گذشته مشاهده می‌شود. به گفته او، این افت به دلیل افزایش هزینه‌های تولید، کاهش قدرت خرید مردم و نوسان در بازار مواد اولیه رخ داده است. گفتنی است، برای سال جاری قیمت هر کیلوگرم زولبیا و بامیه برای واحدهای درجه یک، ۴۹۵ هزارتومان و برای واحدهای درجه دو ۴۴۵ هزارتومان تعیین شد.

تداوم ناترازی برق در سال آینده

سرپرست شرکت تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران (توانیر) گفت: با وجود پیش‌بینی افزایش تولید برق در سال آینده، همچنان ناترازی در شبکه برق کشور وجود دارد. محمد اله‌داد در بازدید از مرکز ملی راهبری شبکه برق کشور افزود: بر این اساس برگزاری جلسات آسیب‌شناسی و برنامه‌ریزی دقیق برای مدیریت مصرف از هم‌اکنون و پیش از آغاز فصل گرما ضروری است. وی، تمرکز بر مدیریت مصرف در صنایع انرژی‌بر و افزایش رویت‌پذیری شبکه برق کشور را از مولفه‌های اصلی ارتقای پیش‌بینی‌پذیری شرایط شبکه دانست و ابراز امیدواری کرد: با تقویت هماهنگی میان بخش‌های مختلف صنعت برق، آمادگی هرچه بیشتر برای عبور از اوج بار تابستان سال آینده فراهم شود. در این بازدید، اردشیر مذکوری مدیرعامل شرکت مدیریت شبکه برق ایران با اشاره به هماهنگی و انسجام مطلوب میان صنعت برق و وزارت نفت در مدیریت سوخت نیروگاه‌ها و عبور بدون خاموشی از دوره سرد سال، افزود: برنامه‌ریزی و تعامل سازنده مجموعه وزارتخانه‌های نیرو و نفت در زمستان امسال نقش مهمی در مدیریت تنش‌های تأمین سوخت، عبور بدون خاموشی از دوره سرد سال و حفظ پایداری شبکه برق کشور داشته است. وی با بیان اینکه تابستان پیش‌رو شرایط خاصی را در پی خواهد داشت، افزود: شفافیت در اطلاع‌رسانی و اتخاذ نگاه واقع‌بینانه نسبت به وضعیت انرژی کشور می‌تواند مسیر برون‌رفت از چالش‌ها را تسهیل کند. مدیرعامل شرکت مدیریت شبکه برق همچنین بر ضرورت تقویت وحدت فرماندهی در مدیریت شبکه برق کشور تأکید کرد و خواستار همکاری و انسجام بیشتر سایر بخش‌ها و استان‌ها با شرکت مدیریت شبکه برق ایران شد. وی، درج الزامات سند فنی اتصال نیروگاه‌های تجدیدپذیر (گریدکد) در قراردادهای آتی را ضروری دانست و افزایش همکاری با سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق (ساتبا) را برای اجرای طرح رویت‌پذیری نیروگاه‌های تجدیدپذیر مورد تأکید قرار داد.

مشکلات جدی و ساختاری بازار مسکن

یک کارشناس حوزه مسکن با انتقاد از سیاست‌های نادرست این بخش گفت: شیوه‌های غلط ساخت‌وساز، مصرف بالای انرژی و نبود طراحی یکپارچه، وضعیت مسکن کشور را به شرایط نگران‌کننده فعلی رسانده است. احسان قرائتی کارشناس حوزه مسکن، در برنامه «رهیافت» رادیو اقتصاد با انتقاد از سیاست‌های اعمال‌شده در بخش مسکن اظهار کرد: سیاست‌های غلط در این حوزه باعث شده امروز بازار مسکن کشور با مشکلات جدی و ساختاری مواجه شود. وی با اشاره به ورود گسترده دستگاه‌ها، سازمان‌ها و بانک‌ها به حوزه ساخت‌وساز گفت: متأسفانه امروز بسیاری از نهادها به‌طور مستقیم در ساخت مسکن فعالیت می‌کنند و طرح مولدسازی نیز به تشویق سازمان‌ها برای ورود به این حوزه دامن زده است. این کارشناس حوزه مسکن با تأکید بر ضرورت اصلاح رویکردها در ساخت‌وساز افزود: نخستین مسئله مهم، نبود «طراحی یکپارچه ساختمان» در کشور است، در حالی که ساختمان یک محصول تولیدی محسوب می‌شود و فقدان این نگاه، بخش زیادی از مشکلات فعلی را ایجاد کرده است. قرائتی دومین چالش اساسی را مصرف بالای آب و انرژی در ساخت مسکن دانست و گفت: در شرایط فعلی، میزان انرژی مصرفی در مصالح و فرآیند ساخت بسیار بالاست؛ به‌گونه‌ای که هر متر مربع ساختمان‌سازی معادل مصرف ۰.۸۵ تا یک بشکه نفت خام انرژی مصرف می‌کند که رقم بسیار نگران‌کننده‌ای است. وی ادامه داد: مصرف بالای انرژی تنها به دوره ساخت محدود نمی‌شود و در دوره بهره‌برداری از ساختمان‌ها نیز ادامه دارد. همچنین مصرف آب در سازه‌های بتنی به ازای هر متر مربع حدود ۴۰۰ لیتر، در اسکلت‌های فلزی ۳۲۰ لیتر، در سیستم ICF حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ لیتر و در سیستم LSF بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ لیتر است. این کارشناس حوزه مسکن با اشاره به مزایای صنعتی‌سازی ساختمان تصریح کرد: با حرکت به سمت صنعتی‌سازی، می‌توان بیش از ۵۰ درصد مصرف انرژی در دوره ساخت را کاهش داد و مدت زمان ساخت را به کمتر از یک سال رساند که این موضوع نقش مهمی در کاهش هزینه‌های ساخت دارد. قرائتی عمر مفید ساختمان را عامل مهمی در قیمت تمام‌شده و سرمایه‌گذاری ملی دانست و گفت: عمر مفید ساختمان‌ها باید حداقل ۱۰۰ سال باشد؛ موضوعی که در بسیاری از کشورهای جهان مانند انگلستان، چین و ایتالیا رعایت می‌شود. وی در پایان، سبک‌سازی را یکی از ارکان اصلی صنعتی‌سازی ساختمان برشمرد و افزود: ساختمان‌سازی در دنیا به سمت وزن ۳۰۰ تا ۴۰۰ کیلوگرم در هر متر مربع حرکت کرده که این رویکرد، کاهش مصرف انرژی، صرفه‌جویی در مصالح، افزایش سرعت ساخت و ارتقای ایمنی ساختمان‌ها را به همراه دارد.

اخبار

ثبت سفارش هزار خودروی کارکرده

سخنگوی وزارت صمت گفت: با احتساب خودروهای ترخیص‌شده، در حال حمل، مانده در گمرک و تحویل نشده، مجموع واردات خودرو در سال ۱۴۰۴ به حدود ۸۰ هزار دستگاه می‌رسد. عزت‌ا... زارعی سخنگوی وزارت صنعت، معدن و تجارت درباره آمار واردات خودرو گفت: در ۱۰ ماهه امسال، ۵۴ هزار دستگاه خودرو ترخیص شده است، همچنین ۱۲ هزار و ۹۰۷ دستگاه در حال حمل به کشور هستند، ۹ هزار و ۷۷ دستگاه در گمرکات منتظر ترخیص‌اند، ۱۰ هزار و ۵۷۷ دستگاه ترخیص شده، اما هنوز تحویل نشده‌اند، اگر این ارقام را به ۵۴ هزار دستگاه اضافه کنیم، مجموع واردات سال ۱۴۰۴ به حدود ۸۰ هزار دستگاه می‌رسد. وی با اشاره به آمار واردات در سال‌های گذشته گفت: سال ۱۴۰۳ حدود ۶۰ هزار دستگاه و سال ۱۴۰۲ حدود ۱۱ هزار دستگاه بوده است. به گفته سخنگوی وزارت صمت: تاکنون حدود یک هزار دستگاه خودروهای کارکرده نیز ثبت سفارش شده است. زارعی در ادامه در پاسخ به اینکه آیا این خودروها با ارز منشأ خارجی وارد شده‌اند؟ گفت: در سال ۱۴۰۴ مجلس در بند «ر» قانون بودجه، اختصاص ۲ میلیارد دلار برای واردات خودرو (نو و کارکرده) با تعرفه ۱۰۰ درصد را تصویب کرد، در سه ماه نخست سال، درباره نحوه اعمال این تعرفه اختلاف نظر وجود داشت؛ اینکه آیا ۱۰۰ درصد به‌صورت میانگین است یا برای همه خودروها اعمال می‌شود، و آیا خودروهای اقتصادی و هیبریدی نیز مشمول این نرخ هستند یا خیر، در نهایت مشخص شد تعرفه ۱۰۰ درصد به‌صورت میانگین محاسبه می‌شود؛ خودروهای اقتصادی تعرفه پایین‌تر و خودروهای با حجم موتور بالاتر تعرفه بیشتری دارند، آیین‌نامه مربوطه در ۲۱ خرداد ۱۴۰۴ ابلاغ شد. وی ادامه داد: پس از آن، برخی ذی‌نفعان در دیوان عدالت اداری نسبت به این مصوبه اعتراض کردند و دیوان آن را ابطال کرد، دولت در مردادماه اصلاحیه‌ای ارائه داد که در نهایت در آبان‌ماه، رئیس مجلس عدم مغایرت آن با قانون را اعلام کرد و از آن زمان مصوبه قابلیت اجرا یافت. سخنگوی وزارت صمت گفت: اما درباره منابع ارزی طبق ماده ۱۱ قانون برنامه هفتم توسعه، ارز واردات باید از محل ارز حاصل از صادرات خود یا دیگران تأمین شود. سیاست‌گذاری ارزی بر عهده بانک مرکزی است و وزارت صمت در این زمینه تصمیم‌گیر نهایی نیست، با وجود ثبت سفارش حدود ۱۰۰ هزار دستگاه خودرو، از محل بند «ر» عملاً ارزی تخصیص نیافت؛ بنابراین خودروهای واردشده از محل سپرده‌های ارزی اشخاص یا منابع سال قبل تأمین شده‌اند، اگر منابع ارزی بند «ر» تخصیص می‌یافت، قطعاً واردات می‌توانست تأثیر بیشتری در تعادل‌بخشی به بازار داشته باشد. سخنگوی وزارت صمت در پاسخ به اینکه آیا ۲ میلیارد یورو که قرار بود برای واردات خودروهای نو و کارکرده تخصیص پیدا کند، آیا امسال پرداخت شد؟ گفت: خیر، هیچ مبلغی از بند «ر» که ۲ میلیارد دلار بود، برای واردات خودرو اختصاص پیدا نکرد. وی در پاسخ به اینکه براساس اعلام بازار مبادله ارزی، حدود ۷ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار به وزارت صمت داده شده است، این مبلغ صرف چه چیزی شده است؟ گفت: در وزارت صمت بر اساس سیاست‌گذاری ارزی، سالانه یک سهمیه ارزی داریم که برای تولید و تجارت اختصاص پیدا می‌کند، گروه تولید شامل مونتاژکاران و خودروسازان، لوازم خانگی، تجهیزات و ماشین‌آلات می‌شود، میزان ارزی که اختصاص یافته و بانک مرکزی اعلام کرده، در اختیار وزارت صمت قرار گرفته و صرف تولید شده است، این سهمیه طبق توافق مشخص اختصاص یافته و ربطی به ۲ میلیارد دلار مصوب مجلس ندارد که باید فصلی تخصیص یابد. سخنگوی وزارت صمت همچنین در پاسخ به اینکه این ۷ میلیارد دلاری که حالا تخصیص یافته، آیا تاثیری بر بازار خودرو داشته است؟ افزود: اولاً باید روشن کنیم که ما مجاز به استفاده از منابع ارزی غیر بند «ر» برای واردات خودرو نیستیم؛ حکم آن صراحت دارد و باید فصلی اختصاص یابد، آنچه در اختیار ما قرار می‌گیرد، از طریق دفاتر تخصصی بین واحدهای تولیدی توزیع می‌شود، ثبت سفارش انجام می‌شود، تخصیص به واحد تولیدی داده می‌شود و سپس در سیکل بانک مرکزی قرار می‌گیرد.

نبض بازار

بورس سبز شد

بازار سرمایه که طی یک ماه اخیر در اکثر روزها ریزشی بود دیروز رشد کرد؛ به طوری که شاخص کل با افزایش بیش از ۶۱ هزار واحد به سه میلیون و ۶۸۰ هزار واحد رسید و دو سوم نمادها افزایشی بودند. بازار سرمایه که بهمن امسال را با بازدهی منفی ۱۵ درصد به پایان رساند و دو روز کاری ابتدایی اسفند را نیز قرمزپوش سپری کرد، دیروز به یکباره سبزپوش شد. روز دوشنبه شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران ۶۱ هزار و ۶۵۵ واحد افزایش یافت و به رقم سه میلیون و ۶۸۰ هزار واحد رسید اما موفق نشد کانال ۳.۷ میلیون واحد را که دیروز از دست داده بود تصاحب کند. شاخص هم‌وزن هم دیروز ۸۵۲۹ واحد افزایش داشت و در عدد ۹۵۰ هزار و ۲۲۱ واحد ایستاد. همچنین ۳۴۶ هزار فقره معامله به ارزش حدود ۱۲ هزار میلیارد تومان در بازار سهام انجام شد. شاخص فرابورس هم دیروز با افزایش ۲۸۲ واحد به ۲۸ هزار و ۲۳۴ واحد رسید. تعداد معاملات دیروز فرابورس ۳۶۷ هزار فقره و ارزش آن ۴۷۹ هزار میلیارد تومان بود. در یک ساعت نخست معاملات ۷۰ درصد نمادهای بازار سهام مثبت بود. افزون براین، در این بازه زمانی سهام بیش از ۵۰۰ شرکت در دامنه مثبت در حال معامله بوده است.